

وقتی به هزارتوی کتاب پامی گذارید

۱۹۹

شکر + کوله بيشته

۱۴۰۳ ۰۴ ۱۳

شمیمه روزنامه شهرآرا
ویژه کودکان مشهد
چهارشنبه

یک دنیای ناشناخته و تازه!

هرکاری

زمان خودش را دارد

خواب پنگوئن

IV



سلام بر حسین (ع)

با نام و یاد خدای بزرگ و مهربان، سلام می‌کنیم به همه‌ی شما دوستان خوب کوله‌پشتی. امیدواریم که سالم و تندرست باشید و از هر لحظه‌ی زندگی‌تان خیلی خوب استفاده کنید.

روزها به سرعت برق و باد می‌گذرند. انگار همین دیروز بود که تعطیلات تابستانی شروع شد. دوستان عزیز! نگاهی به تقویم بیندازید. بله، یک هفته از تیرماه گذشته و چند روز دیگر تا ماه مُحَرَّم باقی نمانده است. ماه مُحَرَّم که می‌شود، هر کوچه و خیابان را که نگاه می‌کنی، رنگ و بوی دیگری به خود می‌گیرد. پرچم‌های مشکی و سبز ماه مُحَرَّم مثل پروانه‌هایی همه‌جای شهر را پر می‌کنند. پرچم‌های عاشورایی انگار می‌خواهند حرف مهمی را دوباره به یاد ما بیاورند که راه امام حسین (ع) و ۷۲ یار با وفایش تا آخر دنیا ادامه دارد و هیچ انسانی کار بزرگ امام حسین (ع) و کاروان کربلا را - که قیام علیه کارهای بد و زشت یزید بود - فراموش نمی‌کند. همه به احترام شهادت آن‌ها لباس سیاه می‌پوشیم و در مراسم عزاداری شرکت می‌کنیم و افتخار می‌کنیم که «ما ملت امام حسین (ع) هستیم».



طیبه‌نابت

فهرست

- خوراکی‌های خوش‌مزه و سالم ۱/
کوه سنگی ۲/
فانوس کاغذی ۳/
یک دنیای ناشناخته و تازه ۴/
منچیکو ۶/
۱۰ زندگی ۷/
خواست را جمع کن ۸/
هر کاری زمان خودش را دارد ۱۰/
سالاد خوش‌مزه‌ی تابستانی ۱۲/
۲ کتاب درباره‌ی بازی ۱۳/
آب‌پاشی ممنوع ۱۴/
دکمه‌های گم‌شده ۱۶/
خواب پنگوتی ۱۷/

صاحب‌امتیاز:

- شهرداری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر
سردبیر:
سید سجّاد طلوع هاشمی
دبیر ضمانت:
ارژنگ حاتمی
دبیر کوله‌پشتی:
طیبه سادات نابت
گرافیک و صفحه‌آرایی:
ملک جمعی

پست الکترونیک:

- sab@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fa/kids
نشانی: روزنامه: ۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
ابتدای کوهسنگی
دفتر مرکزی: ۱۵-۵-۳۷۲۸۸۸۸۱
توزیع و امور مشترکین:
۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۰۵۱
داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲



خوراکی‌های خوش‌مزه و سالم



بعضی از ما هنگام تماشای فیلم یا تماشای بازی، عادت داریم خوراکی‌های ناسالم و هله‌هوله مثل پفک و چیپس و شکلات بخوریم، اما باید بدانید که این رفتار خوب نیست، چون بعد از مدتی حتماً نتیجه‌ی استفاده از خوراکی‌های ناسالم را خواهیم دید. پس بیا یاد دو خوراکی سالم و پرفایده را که برای شما مفید است، معرفی کنیم.

کَشک و تخمه‌ی آفتاب‌گردان دوتا از خوش‌مزه‌ترین و مفیدترین تنقلاتی هستند که می‌توانید جایگزین چیپس و پفک کنید.

کَشک: یکی از تنقلات خوش‌مزه و مفید است که از شیر درست می‌شود. کَشک ویتامین‌های مفید زیادی دارد و از دندان‌ها و استخوان‌هایمان محافظت می‌کند و باعث رشد قد ما می‌شود.

تخمه‌ی آفتاب‌گردان: تخمه‌ی آفتاب‌گردان

هم که با انواع مختلف در بازار می‌توان آن را یافت، دارای ویتامین‌های مفید مثل ویتامین آ و مواد معدنی لازم برای بدن ماست. با مصرف به اندازه‌ی تخمه‌ی آفتاب‌گردان می‌شود از بیماری‌های زیادی مثل کبد چرب و دیابت جلوگیری کرد.





کوه سنگی

رفته بودم به یک کوه
کوه زیبای سنگی
کوه بر روی خود داشت
صندلی های سنگی
روی آن ها نشستم
واقعاً خوب بودند
سفت و خوش رنگ و محکم
بهتر از چوب بودند
کوه سنگی قدیمی ست
بوده از اوّل آنجا
هیچ کس هم ندیده
صندلی ساز اورا





کاردستی

چی لازم داریم؟

کارتن یا جعبه یا مقوّا

قیچی

مداد

چسب مایع

فانوس کاغذی

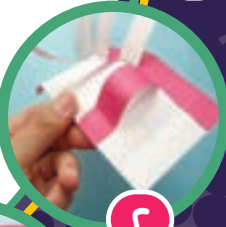


طاهره عرفانی

از فانوس و شمع در عزاداری های محرم به ویژه در شب های شام غریبان بسیار استفاده می شود. نور فانوس ها در عزاداری ها جایگاه ویژه ای دارد. فانوس ها در علم ها هم استفاده می شوند. دوست دارید به همین مناسبت، شرشره ای از فانوس کاغذی درست کنید؟ پس دست به کار شوید. ابتدا یک مستطیل از درجعه به هر اندازه که دوست دارید، برش بزنید. کاغذی رنگی به اندازه ای که طول آن ۱۰ سانتی متر از مستطیل اولی بزرگ تر باشد، برش بزنید. بالا و پایین کاغذ رنگی را ۲ سانتی متر تا بزنید. روی کاغذ خط هایی به فاصله ی یک سانتی متر بکشید و از یک طرف برش بزنید. بالای فانوس کاغذ رنگی برش خورده را روی مقوّا بچسبانید. نوارهای قسمت پایین را مطابق شکل کنار هم به شکل هلالی بچسبانید. دو طرف فانوس را به هم بچسبانید. نوار مشکی مقوایی را به دو لبه ی پایین و بالای فانوس بچسبانید. در پایان، سیم یا نخ را از دو طرف فانوس عبور دهید و گره بزنید. فانوس ها را در اوقات آن آویزان کنید.



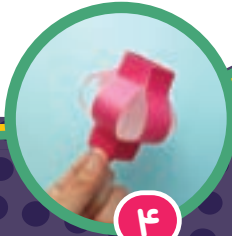
۱



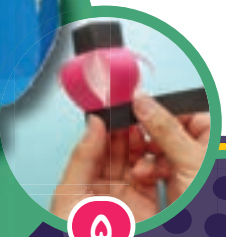
۲



۳



۴



۵



یک دنیای ناشناخته و تازه!



لیلا خلیلی



گفت: «ما جراجویی در آفریقا.» سینا تا چشمش به جانور عجیب افتاد، کمی ترسید و گفت: «این شیر خیلی واقعی به نظر می‌آید!» سعید لبخندی زد و دست سینا را گرفت و دنبال خودش کشاند و گفت: «باید داستان‌ش را بخوانی. کجایش را دیدی!» بعد هم همان طور که سینا را کنار خودش می‌نشاند، مشغول خواندن شد. داستان آن قدر هیجان‌انگیز بود که بی‌حوصلگی از سر سینا پرید. ماجرای کتاب آن قدر جالب بود که سینا دلش خواست کمی از داستان را خودش بخواند. کتاب را از سعید گرفت و با صدای بلند مشغول خواندن شد: «جانور عصبانی غرشی کرد و دوید دنبال دو تا بچه خرگوش کوچولو...» سینا و سعید با هم تا آخر کتاب را خواندند و دور اتاق چرخیدند. کتاب که تمام شد، سینا لبخند زنان گفت: «واقعاً معرکه بود! فکر نمی‌کردم کتاب خواندن این قدر جالب باشد.» بعد هم نگاهی به قفسه‌ی کتاب‌های سعید کرد و گفت: «دلم می‌خواهد یک کتاب دیگر هم بخوانم. به نظرت کدام کتاب خوب است؟» سعید لبخندی زد و کتاب ماجراجویی در آفریقا را توی قفسه گذاشت و گفت: «همه‌شان خوب‌اند. اصلاً بیا یکی یکی همه را بخوانیم.» فکر سعید عالی بود، برای همین سینا قبول کرد و دوتایی مشغول خواندن شدند. کتاب‌ها را می‌خواندند و در دنیای داستان‌ها می‌چرخیدند، می‌خندیدند، می‌ترسیدند، پرواز می‌کردند و می‌دویدند. سینا حالا دیگر اصلاً بی‌حوصله نبود. می‌خندید و با صدای بلند مشغول خواندن بود: «آدم فضایی به غول چهارچشم گفت من خیلی از تو قوی‌ترم...»

کتاب‌ها همیشه ما را به دنیای فشنگ و پیر از ماجرامی برند، به دنیایی که فکرش را هم نمی‌توانیم بکنیم. سعید خیلی سفرکردن در دنیای کتاب‌ها را دوست داشت. سینا اخمو و بی‌حوصله نشسته بود کنار پله‌ها و با انگشتش راه عبور مورچه‌ها را می‌بست. یک دفعه از توی اتاق سعید صدای خنده آمد. سینا آهی کشید و گفت: «من این‌همه حوصله‌ام سررفته، آن وقت سعید همین جور می‌خندد!» هنوز چند دقیقه نگذشته بود که صدای پیرپیرکردن و دویدن سعید از توی اتاق آمد. بعد هم صدای حرف زدنش آمد و جیغی بلند شنیده شد. سینا که حسابی گیج شده بود، بلند شد و رفت دم در اتاق سعید. در را باز کرد و گفت: «معلوم است اینجا چه خبر است؟ باکی حرف می‌زنی و جیغ و داد می‌کنی؟! اما وقتی سعید را دید، حسابی تعجب کرد. سعید کتاب قصه‌اش را در دستش گرفته بود، نشسته بود وسط اتاق و مشغول خواندن بود. سینا که فکر کرد خیالاتی شده است، آهی کشید و راه افتاد تا دوباره برود سراغ مورچه‌ها که یک دفعه صدای غرش یک موجود گنده را شنید و پشت سرش صدای جیغ سعید را شنید. تا برگشت، سعید را دید که کتاب به دست داشت توی اتاق می‌دوید. سینا این بار با صدایی بلندتر گفت: «اینجا چه خبر است?!» سعید که تازه متوجه آمدن سینا شده بود، ایستاد. کتاب را بست و جواب داد: «هیچی، دارم کتاب می‌خوانم. داستان‌ش معرکه است.» سینا بابتی حوصلگی پرسید: «موضوعش چیست؟» سعید همان طور که کتاب را باز می‌کرد تا عکس جانور عصبانی را که از یکی از صفحات سرک می‌کشید، به سینا نشان بدهد،







منچیکو



اسکن کنید



بازی خانوادگی «منچ» یکی از بازی‌های خاطره‌انگیز قدیمی است که تقریباً همه‌ی ما قبلاً آن را بازی کرده‌ایم. بازی «منچیکو» که امروز قصد داریم آن را معرفی کنیم، نسخه‌ی آنلاین منچ است که توسط شرکت بازی‌سازی «نواگیمز» طراحی شده است. از ویژگی «منچیکو» این است که در این بازی شما می‌توانید با دوستانتان به رقابت بپردازید و در زمان بازی با آن‌ها گفت‌وگو کنید. حتی تاس و مهره‌ها را آن‌طور که دلتان می‌خواهد شخصی‌سازی یعنی انتخاب می‌کنید. برای بردن باید مسابقه بدهید و پیشرفت در جدول رتبه‌بندی کنید و باید از دوستانتان جلو بزنید. پس منتظر چه هستید؟ همین حالا کد بالا را با دوربین گوشی اسکن کنید و وارد بازی شوید.





۱۰ زندگی



انیمیشن



هستی
ریگ صفی

اگر به تماشای انیمیشن‌های ماجراجویی علاقه مند هستید، پیشنهاد می‌کنم با «بکت» گربه‌ی کوچک داستان ما همراه شوید.

داستان این انیمیشن از آنجا شروع می‌شود که «بکت» گربه‌ای بازیگوش و تنها توسط «رز»، مورد حمایت قرار می‌گیرد. گربه‌کوچولو زندگی خوب و خوشی با صاحبش دارد تا اینکه دوست قدیمی رز بعد از مدّت‌ها به دیدن او می‌آید.

مهمان به گربه حساسیت دارد و این باعث می‌شود که رز، بکت حیوان کوچکش را درست نبیند و به او بی‌توجه شود.

بکت از این موضوع خیلی ناراحت می‌شود و تصمیم می‌گیرد مهمان، یعنی دوست رز، را اذیت کند، اما ماجراهای تازه‌ای اتفاق می‌افتد.

اگر می‌خواهید ادامه‌ی داستان این گربه‌ی باهوش را بدانید، بهتر است انیمیشن «۱۰ زندگی» را تماشا کنید. این انیمیشن به ما یاد می‌دهد که در سختی‌ها اطرافیانمان را فراموش نکنیم و به همه چیز به اندازه توجه کنیم.

زمان:

۸۱ دقیقه

ژانر:

ماجراجویی

کشور سازنده:

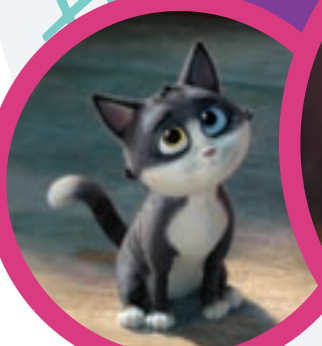
انگلستان

سال ساخت:

۲۰۲۴

نام انیمیشن:

۱۰ زندگی





حواست را جمع کن

شرح بازی: برای این بازی به یک تاس و به تعداد بازیکنان مهره نیاز داریم. بازی با تاس شش شروع می شود. برنده کسی است که زودتر مسیر را طی کند و به نقطه ی پایانی برسد. هدف بازی آموختن نکاتی درباره ی رعایت حقوق دیگران است. کودکان با این بازی متوجه می شوند که دیگران چه حقوقی دارند و اینکه باید موقع بازی به حقوق دیگران احترام بگذارند.



عسکری ساعدی
روشنی

بستنی خوردن
خوب است، اما ریختن بستنی
روی نیمکت، زمین بازی را کثیف
می کند. همه حق دارند زمین بازی
تمیز داشته باشند. یک بار تاس
نریز و نیمکت را تمیز کن.

آفرین که
از تاب پایین می آیی
تا دیگران هم بازی کنند.
تاب که فقط مال
تو نیست. ۲ خانه
جلو برو.

چرا راه را بستنی و
نمی گذاری بقیه ی بچه ها
وارد استخر توپ شوند؟!
زمین بازی مال همه است.
۲ خانه به عقب برگرد.

چرا سر راه
دیگران نشسته ای؟
رد شدن از مسیر رفت و آمد
حق همه است. بلند شو و
یک خانه به عقب برو.

شروع:
کوچولوها می خواهند
به زمین بازی پارک خرد سالان
بروند. با آن ها همراه شو و یاد
بگیر چطور حق دیگران را رعایت
کنی. تاس بریز و شروع کن.

چه کار خوبی می کنی
پوست خوراکی ات را روی زمین
بازی نمی اندازی! همه زمین بازی
قشنگ و تمیز را دوست دارند.
۲ خانه جلو برو.



باتاس فرد
حرکت کن.



چرا موقع بازی
این همه جیغ می کشی؟
ممکن است دیگران را
اذیت کنی. کمی آهسته تر
باش و یک بار
تاس نریز.

پایان:
آفرین که هم حق دیگران
را رعایت کردی و هم
بازی کردی. وقت رفتن
به خانه رسیده است.
خدانگهدار.



آفرین که
مواظب وسایل بازی
هستی تا خراب نشوند!
وسایل بازی پارک مال همه
است. ۳ خانه جلو برو.



تصویرگر: زهره افطاعی



چه خوب که
کمک می کنی کوچک ترها
سوار آلاکلنگ شوند! بزرگ ترها
خوب است به کوچک ترها کمک
کنند. ۲ خانه جلو برو.

۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶

یک کاراته‌کای قهرمان:



هرکاری زمان خودش را دارد

بچه‌های عزیز، تابستان فصل بسیار خوبی برای آغاز فعالیت‌های مفید و فراگرفتن مهارت‌های جدید است. ورزش کردن در این فرصت می‌تواند شما را به سلامتی و پیروزی برساند. ساجده خان بوداگی، دانش‌آموز کلاس ششم مدرسه‌ی سمیه و قهرمان کاراته‌ی کشور است. او ورزش را از خرداد پارسال با توجه به علاقه‌اش با رشته‌ی کاراته در سبک وادوریو که یک سبک کنترل‌ی است، آغاز کرده و اکنون صاحب کمر بند پنجم این رشته یعنی بنفش است و تصمیم دارد تا قهرمانی جهان این ورزش را ادامه بدهد. گفت‌وگوی ما با ساجده را در ادامه دنبال کنید.



ساجده جان، ورزش کاراته چه خوبی‌هایی دارد که آن را انتخاب کردی؟

کاراته عامل قوی شدن عضلات و توانایی جسمی، تقویت توان تصمیم‌گیری و افزایش اعتماد به نفس می‌شود، اما به نظرم برای موفقیت در هرکاری، گام اول داشتن هدف است، زیرا سبب می‌شود با قوت کوشش کنیم و با علاقه برای رسیدن به هدفمان بجنگیم تا آن را به دست بیاوریم. اولین بار که طعم شیرین موفقیت را چشیدم، در چهارمین مسابقه‌ام بود که در شهر قم با کسب دو مدال طلای کشوری در کاتا و کومیته سبب افتخار خانواده و تیمم شدم. در مجموع تاکنون توانسته‌ام ۸ مدال طلای کشوری، استانی و بین‌المللی، همچنین دو مدال نقره در این رشته‌ی ورزشی کسب کنم. دومین گام را داشتن مربی خوب و باتجربه می‌دانم و خیلی خوش‌حالم که خانم نادیا عابدی، مربی من و دلیل پیشرفت و بیشتر شدن علاقه‌ام در این ورزش است که از وی قدر دانی می‌کنم. البته به جز ورزش، به هنر و طراحی و مجریگری هم علاقه‌مندم و در این مسیر هم تلاش می‌کنم، اما اگر بخواهم ورزشی به غیر از کاراته را انتخاب کنم، ژیمناستیک خواهد بود.





تا الان چگونه توانسته‌ای بدون مشکل، ورزش کنی و درست را

هم زمان دنبال کنی؟

برای همه‌ی روزهایم برنامه ریزی می‌کنم و به هر کاری زمان خودش را اختصاص می‌دهم و فرصت‌ها را از دست نمی‌دهم. در درس موفق هستم و سعی و کوشش زیادی می‌کنم تا بتوانم در درس‌ها به معدل بیست دست پیدا کنم، اما باور دارم برای موفقیت در هر کاری به تمرین و تلاش و استعداد نیاز داریم، به ویژه باید تمرینمان را بیشتر کنیم تا بتوانیم تجربه خودمان را افزایش دهیم.

به همین دلیل تلاشم را بیشتر می‌کنم تا تمرین‌هایم را زیاد کنم و بتوانم در مسابقات بین‌المللی، مردادماه، مدال طلا را به دست بیاورم.



چه پیشنهادی به دوستان داری برای رسیدن به پیشرفت و پیروزی؟

از دوستانم می‌خواهم برای رسیدن به آنچه دوست دارند، تلاش کنند و این سعی را تا رسیدن به هدف ادامه دهند. باور کنند با علاقه و پشتکار می‌توانند از کمترین تمرین‌ها بیشترین تجربه‌ها را به دست بیاورند و بالاترین نشان‌های پیروزی را کسب کنند. در راه موفقیت، از خانواده‌ی عزیزم برای اینکه به من امید دهند و برای رسیدن به موفقیت مرا حمایت کردند هم خیلی ممنونم. همچنین از خانم سلطانی عزیزم، مدیر مهربانمان در مدرسه، بابت پشتیبانی‌هایشان تشکر می‌کنم.

سالاد خوش مزه‌ی تابستانی



آن روز هوا حسابی گرم شده بود. خانم کانگرو پنجره را باز کرد تا خانه اش خنک شود. او بیرون را نگاه کرد و با خودش فکر کرد که در هوای گرم باید یک غذای خنک برای خودش درست کند. بعد یک سیب زمینی برداشت و آن را مکعبی خرد کرد. سیب زمینی‌ها را داخل قابلمه ریخت. یک لیوان آب اضافه کرد و گذاشت تا بپزند. بعد یک خیار و یک پیاز برداشت و آن‌ها را خرد کرد و کنار گذاشت. داخل یک کاسه مقداری ماست ریخت و کمی نمک و فلفل و آب لیمو به ماست اضافه کرد و هم زد. کمی از مواد چشید و گفت: «به به! چه سس خوش مزه‌ای شد!» سیب زمینی‌ها توی قابلمه آب پز شده بودند. آن‌ها را برداشت و ریخت توی صافی تا خنک شوند. بعد از اینکه سیب زمینی‌ها خنک شدند، آن‌ها را داخل ظرف ریخت و خیار و پیاز خرد شده را اضافه کرد. بعد هم سس را اضافه کرد و هم زد. وقتی مواد خوب قاتی شدند، کمی شوید روی آن‌ها ریخت. سالاد سیب زمینی آماده شده بود. خانم کانگرو کنار پنجره نشست و سالاد خوش مزه‌اش را خورد.

چی لازم داریم؟

سیب زمینی بزرگ، یک عدد

خیار، یک عدد

پیاز، یک عدد

ماست، به میزان لازم

آب لیمو، به میزان لازم

نمک و فلفل و شوید خشک شده، به میزان لازم

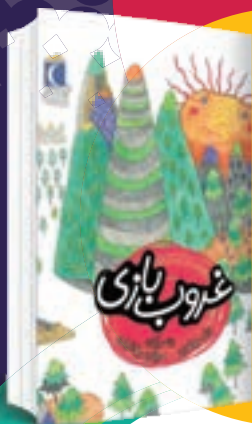




کتاب ۲ درباره‌ی بازی

غروب بازی

اگر شما هم مثل گورخر کوچ داستان، بازی کردن را خیلی دوست دارید اما بازی‌ها برایتان تکراری شده است، پیشنهاد می‌کنم کتاب «غروب بازی» را مطالعه کنید. این کتاب درباره‌ی «خرگورک»، گورخر کوچکی است که عاشق بازی کردن است، اما یک روز که روی تپه داشت فکر می‌کرد، دید الان که گرسنه نیست، تشنه هم نیست، حوصله‌ی بازی کردن هم ندارد و خوابش هم نمی‌آید، باید چه کار کند؟ پس تصمیم گرفت بازی جدیدی را امتحان کند. چه بازی‌ای؟ برای فهمیدن بازی خرگورک بهتر است با کتاب «غروب بازی» سفر کنیم و کتاب بخوانیم! این کتاب مناسب بچه‌های ۷ تا ۱۰ سال است.



اسم کتاب:
غروب بازی
نویسنده: پروین
پناهی
سال نشر: ۱۴۰۰
ناشر: انتشارات
یک دانه

چرا این جوری شدم؟

شما هم مثل من کشف کردن چیزهای جدید را دوست دارید و اهل ماجراجویی هستید؟ پس پیشنهاد می‌کنم کتاب «چرا این جوری شدم؟» را بخوانید. این کتاب درباره‌ی سگی به نام «خال خالی» است. خال خالی هر روز وقتی آفتاب وسط آسمان می‌رفت، زیر سایه درخت دراز می‌کشید و خال‌هایش را می‌شمرد. وقتی ۱۰ خال‌ش رو می‌شمرد، گرسنه می‌شد. یک روز وقتی آفتاب وسط آسمان بود، هرچه خال‌هایش را شمرد، گرسنه نشد. حتی بیشتر از ۱۰ خال هم شمرد، ولی باز هم گرسنه نشد. اگر شما هم مثل من دوست دارید بدانید چرا خال خالی این طوری شده است، بهتر است این کتاب را بخوانید. این کتاب مناسب بچه‌های ۷ تا ۱۰ سال است.

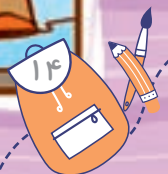
اسم کتاب: چرا
این جوری شدم؟
نویسنده: لاله جعفری
سال نشر: ۱۴۰۰
ناشر: انتشارات یک
دانه



آب پاشی ممنوع!



این روزها که هوا خیلی گرم شده است، برای اینکه از هوای گرم خودمان را نجات دهیم، آب خنک می نوشیم. بیشتر دوش می گیریم و شاید کولر را تا دیروقت روشن نگه داریم یا باغچه را بیشتر آب پاشی کنیم. ولی دست نگه دارید. باید در مصرف آب صرفه جویی کنیم. مصرف زیاد از حد آب ممکن است باعث شود در آینده کشور دچار کم آبی شود. پس ما باید کاری کنیم که این اتفاق نیفتد. بیا یاد با هم ببینیم چطور می توانیم از هدر رفتن آب جلوگیری کنیم.





پسر گلم، همیشه باغچه
رو همین موقع آب بده.
عصرها موقع خویبه برای
آب دادن به باغچه، چون
آب زود خشک نمی‌شه.



دختر کوچولوی
قشنگم
این آب‌ها رو بریز
توی باغچه.



این بازی
خیلی باحاله! من که
خیلی خوشم اومد!
می‌گم...

می‌لاد، شیر آب رو ببند!
مگه می‌خوای همه‌ی
کوچه رو آب بیره!

دکمه‌های گم شده

مامان بزرگ می‌خواهد روز تولد نوه‌اش به او یک پیراهن زیبای دکمه دوزی شده هدیه بدهد. او مشغول دوختن دکمه‌های رنگی روی لباس ستاره بود که ناگهان گربه‌ی بازیگوش از پنجره که باز بود، پرید روی میز خنثای مامان بزرگ و شیشه‌ی دکمه‌ها ریخت روی فرش و بین وسایل اتاق گم شد. بچه‌های عزیز، به مامان بزرگ کمک کنید که ۲۴ دکمه‌ی کوچک و بزرگ رنگی را که در تصویر پنهان شده است، پیدا کند و کار دکمه‌دوزختن روی لباس ستاره را تمام کند.





خواب پنگوئنی



بچه های عزیز تا حالا پیش آمده است که خوابتان بیاید و چشم هایتان برای چند ثانیه بسته شود و بعد یک دفعه از خواب بپرید؟ مثلاً وقتی که از مدرسه برگشته اید و خسته اید؟ این اتفاق برای پنگوئن ها هم می افتد. البته آن ها از مدرسه بر نمی گردند، شاید هم مدرسه داشته باشند، ما که نمی دانیم!

دانشمندان می گویند یک نمونه پنگوئن به اسم «پنگوئن سیبیل خطی» وجود دارد که بیشتر در قطب جنوب و اقیانوس اطلس زندگی می کند. تعداد این پنگوئن ها حدود هشت میلیون است. این پنگوئن ها در روز بیشتر از ۱۰ هزار بار چشم هایشان را می بندند و به اندازه ی چهار ثانیه می خوابند.

حتماً برایتان سؤال پیش می آید که چرا آن ها به جای اینکه مثل آدم ها از شب تا صبح بخوابند، فقط چند ثانیه چشم هایشان را می بندند؟ دلیلش این است که پنگوئن ها در سرزمینی زندگی می کنند که دوبرشان پراز خطر است. برای همین هم باید

حواسشان خیلی خیلی جمع باشد

و مراقب همه چیز باشند؛ به ویژه

وقتی که تخم گذاشته باشند

یا بچه هایشان تازه به دنیا آمده

باشند. اگر آن ها هم قرار بود مثل ما

آدم ها بخوابند، جان خودشان و بچه هایشان

به خطر می افتاد. حالا به پنگوئن ها حق می دهید

که در طول شب، چند چهار ثانیه بیشتر نخوابند؟



